

فرآیند جهانی شدن و حقوق شهروندی

بابک سیفی آتشگاه *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۳

چکیده

جهانی شدن فرآیندی اجتناب ناپذیر است که به منزله بین‌المللی شدن و از بین بردن مرزهای جغرافیایی است. متفکران و اندیشمندان کشورهای گوناگون هر یک به گونه‌ای درباره جهانی شدن سخن می‌گویند و در مورد آن اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. امروزه، جهانی شدن به عنوان آشکارترین روندها در همگرایی کشورهاست که مهمترین بعد آن، بعد اقتصادی است. از سوی دیگر در حال حاضر حقوق شهروندی از مباحث مهم حقوقی، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی می‌باشد. در این بین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه به سزایی را معطوف به حقوق شهروندی می‌کند و تفاوت قومیت، نژاد و زبان را در برخورداری از این حق لحاظ نمی‌کند. در این مقاله تلاش بر این است که با توصیف و تحلیل جهانی شدن و تاثیرات آن بر حقوق شهروندی، ضمن تعریف جامع و کامل از مفهوم جهانی شدن، چالش‌های جهانی شدن و نیز پیامدهای مثبت و منفی آن در ارتباط با حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه تاثیرات جهانی شدن بر حقوق شهروندی و راهکارهای ارتقای حقوق شهروندی در عصر جهانی شدن توصیف و تبیین شده است. فرضیه پژوهش این است که «شواهد موجود حاکی از تأثیر مثبت جهانی شدن بر حقوق شهروندی است».

کلید واژه‌ها: جهانی شدن، جهانی شدن حقوق، شهروند، حقوق شهروندی.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی - مدرس دانشگاه.

babakseifi70@gmail.com



مقدمه

جهانی شدن یکی از مباحث مهم و تاثیرگذار دنیای امروز است. فرآیند جهانی شدن نوعی بحران هویت و معنا در جوامع جهان پدید می‌آورد. افراد و اقشار گوناگون برای حل این بحران به روشها و راهکارهایی متوسل می‌شوند. با درهم تنیدگی و پیوستگی و دهکده جهانی شدن و همجواری کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه علی‌القاعده، فضاهای خالی بیشتری برای شکستن انحصار تکنولوژیک و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری اقتصادی خارجی فراهم می‌کند. جهانی شدن یک پدیده چند بعدی است. یکی از دلایل عدم توانایی محققان در ارائه تعریفی کامل از جهانی شدن، در همین چند بعدی بودن آن است. این چند بعدی بودن را هم در علل یا دلایل جهانی شدن و هم در پیامدها و بازتاب‌های جهانی شدن می‌توان مشاهده کرد.

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده‌است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، حقوق شهروندی اطلاق می‌شود. هر چند درباره میزان تأثیرگذاری جهانی شدن بر حقوق شهروندی میان اندیشمندان اتفاق نظر وجود ندارد، ولی همگان معتقدند که جهانی شدن موجب کاهش اهمیت مرزهای ملی شده است و بنابراین باید از شهروند جهانی و حقوق، مرتبط با آن صحبت انجام پذیرد. در این مطالعه، برای فهم تأثیرات حاصل از جهانی شدن بر حقوق شهروندی، وضعیت حقوق شهروندی در ایران، مورد توجه قرار می‌گیرد. به این منظور، پس از اشاره به تعریف جهانی شدن، ابعاد، وجوه و شاخص‌های مختلف آن، راه‌های تأثیر این پدیده بر حقوق شهروندی بررسی و تحلیل می‌شود.



مفهوم و تاریخچه جهانی شدن

تاریخچه جهانی شدن

اصطلاح جهانی شدن نمایانگر گسترش دامنه کنش و واکنش انسان و اجتماعات انسانی در پهنه کره زمین است. از این رو، برخی صاحب نظران کروی شدن را برابر نهاد این واژه دانسته اند زیرا واژه **Global** به مفهوم کروی است. جهانی شدن به مثابه روندی فراگیر، همه ابعاد زندگی فردی و گروهی بشر را گستره فرهنگ سیاست، اقتصاد و ... متأثر کرده است که این خود بر پیچیدگی‌ها و ابهامات افزوده است. (زارعی و هاشم پور، ۱۳۹۷: ۱۲۰) واژه جهانی شدن نخستین بار توسط مارشال مک لوهان در سال ۱۹۷۰ مطرح شد. وی پیشبینی کرد پیشرفت ارتباطات، دهکده‌های جهانی متشکل از آحاد بشر پراکنده در پنج قاره را ایجاد خواهد کرد. (اشرافی و اسلامی، ۱۳۹۶: ۲)

مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن در معنای امروزی خود پدیده‌ای نسبتاً جدیدی است که به گونه‌های مختلفی تعریف و تفسیر شده است. گرچه مفهوم جهانی شدن به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد اما یک تعریف واحد و مورد قبول همگان در مورد آن وجود ندارد. بنابراین برای آغاز بررسی، یک تعریف اولیه از آن مطرح می‌شود. جهانی شدن به چندگانگی ارتباطات و پیوندهایی اشاره می‌کند که به فراسوی دولت‌ها یا جوامعی که نظام‌های جهان مدرن را تشکیل می‌دهند، می‌پردازد. این مفهوم جریانی را تعریف می‌کند که از طریق آن رویدادها، تصمیمات و فعالیت‌های صورت گرفته در یک بخش از دنیا می‌توانند تأثیرات مهمی بر افراد و جوامع دورافتاده ترین بخش‌های جهان داشته باشند. امروزه کالاها، سرمایه، مردم، دانش، تصاویر، ارتباطات، جرایم، فرهنگ، آلاینده‌ها، داروها، مدها و اعتقادات به سهولت از مرزها و سرزمین‌ها می‌گذرند. شبکه‌های ترجمه‌ای، جنبش‌های اجتماعی و ارتباطات در تقریباً تمامی زمینه‌های فعالیت بشری از سطوح آکادمیک گرفته تا دبستان، کاملاً گسترش یافته‌اند. (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۷)

ویژگی‌های جهانی شدن

- رشد تجارت جهانی و تنوع معاملات بین‌المللی
- رشد بی‌سابقه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و افزایش جریان سرمایه بین‌المللی
- رشد تجارت پول و سرمایه
- جریان آزادانه خدمات تولیدی



- توسعه صنعت گردشگری
- انتقال سریع و رو به رشد گسترش فناوری
- شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ چند ملیتی
- تشدید گرایش و تمایل کشورها به عضویت در سازمان‌ها و بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای
- مهاجرت نیروی کار در سطح بین‌المللی
- گسترش ارتباطات و رسانه‌ها و فرایندهای تبادل اطلاعات در سراسر نقاط جهان و پدید آمدن دنیای مجازی ارتباطات و اطلاعات (زیرک، ۱۳۷۸: ۲۵)

پیامدهای جهانی شدن

جهانی شدن دارای پیامدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در بعد اقتصادی، گسترش فعالیت‌های شرکت‌های چند ملیتی و گرایش جهان کالا و سرمایه ضرورت یکسان‌سازی قوانین تجارت در سطح جهانی قابل تامل است. در عرصه سیاسی، تغییر جایگاه دولت به عنوان مهم‌ترین سازمان سیاسی در جوامع انسانی بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه قرار می‌گیرد. در بعد فرهنگی جریان جهانی شدن، نهادهای فرهنگی به واسطه تکنولوژی ارتباطی - پیامرسان‌های جمعی الکترونیکی و غیر الکترونیکی جریان‌های مهاجرت توریسم و جنبش‌های اجتماعی جهانی و ... محتوای زندگی افراد را در سطح جهانی متحول ساخته است. جهانی شدن به معنای یکی شدن فرهنگ‌ها با فرهنگ غربی نیست. غرب یک ساختار تاریخی است نه یک ساختار جغرافیایی. غرب جامعه‌ای است توسعه یافته، صنعتی مدنی سرمایه داری سکولار و مدرن. (لطفی و محمدزاده، ۱۳۸۹: ۷)

پیامدهای مثبت جهانی شدن

یکی از دستاوردهای مهم جهانی شدن، انتقال تکنولوژی به سراسر جهان است. جهانی شدن شرایطی را برای رشد در زمینه‌ی ارتباطات و اطلاعات فراهم آورده است. به عبارت دیگر، انتقال داده‌ها اندیشه‌ها پیام‌ها و تصاویر از طریق فضای فوق قلمرویی به تجارتی سودآور مبدل شده است که جهان و مسائل بین‌المللی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و با کم‌رنگ کردن مرزهای جغرافیایی، مرز کلاسیک خودی و بیگانه را در چارچوب منطقی و انسانی باز تعریف می‌کند. به این ترتیب در پرتو ارتباطات و تکنولوژی جدید اطلاعات جهانی شدن، نوعی به هم پیوستگی در سراسر جهان به وجود می‌آید. بنابراین جهانی شدن از طریق ایجاد تعامل شناختی و فرهنگی در میان جوامع می‌تواند آینده همگرایی و همکاری بین‌المللی را تقویت کند.



یکی دیگر از آثار مثبت جهانی شدن افزایش رقابت بین‌المللی است. با کاهش هزینه‌های حمل و نقل و رشد تکنولوژی اطلاعات، بنگاه‌های اقتصادی همه بازارهای جهانی را بازار خود می‌دانند. برای توفیق در صحنه رقابت بین‌الملل می‌بایست ابتدا اقتصاد داخلی بطور رقابتی شود. استاندارد کالاها به دقت رعایت شود تا کالاهای صادراتی قدرت رقابت با کالاهای خارجی و کالاهای داخلی قدرت رقابت با کالاهای وارداتی را داشته باشند. (لطفی و محمدزاده، ۱۳۸۹: ۸)

پیامدهای منفی جهانی شدن

یکی از پیامدهای منفی جهانی شدن، این است که این پدیده بطور فزاینده‌ای از نظارت حکومت‌های ملی خارج شده و هم زمان با آن نهادهایی چند جانبه موجود در زمینه راهبری اقتصاد جهانی بوجود آمدند. جهانی شدن با تسلط دولت بر منابع درآمدی خود و کنترل اقتصاد داخلی سر ناسازگاری دارد. آنچه تحت عنوان جهانی شدن مطرح است و توسط کشورهای صنعتی غربی هدایت می‌شود هرگز رفاه و ثروت را برای تمام کشورهای جهان بخصوص توسعه نیافته به ارمغان نخواهد آورد. جهانی شدن سبب گسترش فقر و بیکاری می‌شود و به تعبیری بعضی مردمان را دارا و برخی را فقیر می‌کند، به عبارت دیگر به سود کشورهای دارا و به ضرر کشورهای فقیر می‌باشد. (لطفی و محمدزاده، ۱۳۸۹: ۹)

ابعاد جهانی شدن

بعد اقتصادی

اولین برداشت معمول از جهانی شدن اقتصاد، معنایی مترادف با "بین‌المللی شدن" است که رشد مبادلات و تعاملات بین‌المللی را مد نظر قرار می‌دهد. (Scholte, 2000, p16) در بسیاری از نظریه‌ها و تعریف‌های جهانی شدن، بر عنصر اقتصادی فرایند جهانی شدن تأکید شده و نظریه‌پردازان پرشماری، وجه غالب جهانی شدن را اقتصادی می‌دانند. از دیدگاه آنها گرچه فرایند جهانی شدن بسیار فراگیر است و بر همه حوزه‌های زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد، اما آشکارترین و برجسته‌ترین نمودها و مصداق‌های این فرایند به حوزه اقتصاد اختصاص دارند. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۶۴)

این مهم است که دقیقاً بدانیم جهانی شدن اقتصاد دربردارنده چه عناصری است هر چند تز جهانی شدن اقتصاد در سطح گسترده‌ای به وسیله سیاستمداران و رسانه‌ها تأیید شده، لیکن بعضی از جامعه‌شناسان با این عقیده مخالفند. آن‌ها استدلال می‌کنند که اقتصاد نه جهانی بلکه بین‌المللی است چرا که هنوز دولت -



ملت‌ها هم از نظر اقتصاد داخلی شان و هم از نظر توافقات مربوط به مدیریت روابط اقتصادی فراسوی مرزهای ملی، قدرتمندترین بازیگران اقتصادی هستند. همچنین آنان استدلال می‌کنند که شرکت‌های چند ملیتی بر تجارت جهانی سلطه ندارند و تا دو سوم دارایی هایشان در کشورهای مادر حفظ می‌شود، این بدان معنی است که آنها در معرض کنترل سیاست‌های حکومت ملی می‌باشند و همچنین شرکت‌های چند ملیتی در سطح جهانی عمل نمی‌کنند بلکه بیشتر در سطح شرکای درون مناطق به ویژه اروپا، آمریکا و آسیای جنوب شرقی فعالیت می‌کنند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که هیچ چیز جدیدی در مورد بین‌المللی شدن کنونی اقتصاد وجود ندارد از زمانی که تکنولوژی صنعتی مدرن از دهه ۱۸۶۰ شروع به فراگیر شدن کرد، فرایندی شبیه فرایند کنونی وجود داشته است. (کیت، ۱۳۸۰: ۷۵)

یکی از پدیده‌های بسیار قابل توجه دهه‌های اخیر در اقتصاد جهانی، درهم آمیزی و ادغام متزاید اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی است که آثار آن را می‌توان در افزایش بازرگانی بین‌المللی، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی ملاحظه کرد. (دادگر و ناجی میدانی، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

بعد فرهنگی

جابه جایی روزافزون افراد، کالاها، سرمایه و اطلاعات، کره زمین را جهانی نموده است. فرهنگ در حوزه‌های قومیت، زبان و مذهب به طور سنتی با مکانهای معینی در ارتباط بوده است. برای نمونه ژاپنی‌ها در ژاپن و مسلمانان در خاورمیانه قابل ذکر می‌باشند. به محض اینکه جریان‌های جهانی فرهنگ طی چند دهه فزونی گرفت، پیدا کردن آن دسته از اشکال فرهنگی که به طور کامل ویژه منطقه‌ای خاص باشند مشکل شده است. (رنای شورت و هیون کیم، ۱۳۸۴: ۵)

در دهه‌های پایان قرن بیستم شاهد برجسته شدن فرهنگ هستیم. یکی از چالش برانگیزترین جنبه‌های جهانی شدن جنبه‌های فرهنگی جوامع هست برخی دیگر، یکی شدن فرهنگ ملت‌ها را حاصل پیشرفت‌های عظیم در فناوری ارتباطات و تبادل اطلاعات و نفوذ و گسترش شبکه‌های رایانه‌ای و ماهواره‌ای می‌باشند را یکی از جنبه‌های مثبت پدیده جهانی شدن تلقی می‌کنند. جهانی شدن فرهنگی عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد یک برداشت رایج و آشنا از جهانی شدن فرهنگ غربی همان امپریالیسم فرهنگی است از این دیدگاه، جهانی شدن عبارت است از اراده معطوف به همگون سازی فرهنگی جهان. (بایوردی، کریمیان، ۱۳۹۳: ۸۳)



بعد اجتماعی-سیاسی

شاید سخن گفتن از جهانی شدن سیاست پدیده تازه‌ای نباشد زیرا از زمانی که روابط میان کشورها و ملت‌ها و دولت - شهرها برقرار شد سیاست، قدرت و اداره حکومت همواره فراتر از مرزهای ملی، قومی و فرهنگی در شرایط مختلف جنگ و صلح نقش آفرین بوده است. نظریه‌های مختلف جهان گرایی منطقه‌گرایی و فدرالیسم همه مبین نوعی نگرش به فراسوی مرزهای ملی و سیاست‌های جهانی است. مسئله شایسته توجه در این خصوص در آغاز قرن جدید و هزاره سوم میلادی تحول مفهوم و ماهیت نظریه‌های سیاسی در برخورد با مسائل جدید بین‌المللی است. در پرتو تحولات شگرف ارتباطات رسانه‌ای و الکترونیکی و دستیابی به قالب‌ها، الگوها و پارادایم‌های جدید ظرفیت تبیین و پیش‌بینی ما از روند حوادث و تکانه‌های شدید و بحران ساز آینده نیز تغییر کرده است. (کاظمی، ۱۳۷۵: ۶۴)

ابعاد مختلف جهانی شدن بر حسب میزان حمایت یا مقاومت‌هایی که با آن مواجه می‌شود، به طریق موزون و هماهنگی حرکت نمی‌کنند و پیش نمی‌روند. در این میان جهانی شدن سیاست شاید شاخص‌ترین موردی است که شتاب آن از ابعاد دیگر جهانی شدن به مراتب کندتر است. (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۷۸)

بعد فناوری و ارتباطات

بدون شک روند جهانی شدن بر پایه تحولات تکنولوژی بنا شده است. طی چند دهه اخیر، عمق و گسترش این تحولات چنان بوده که فناوری و نظم تولید و مدیریت جهان را وارد پارادایم جدیدی کرده است. افزایش بی‌نظیر سرعت گردش اطلاعات، همراه با کاهش چشمگیر هزینه این امور، از ویژگی‌های برجسته عصر جدید هستند که با کاهش فاصله زمانی و مکانی، جامعه بشری را به شهری جهانی مبدل کرده‌اند. رشد و گسترش تصاعدی ارتباطات ماهواره‌ای و تکنولوژی فیبر نوری، گردش آنی حجم انبوه اطلاعات را در پهنه جهان میسر ساخته است. تنها در فاصله سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶ تعداد مسیرهای صوتی ماهواره‌ای از کمتر از ۱۰۰ هزار به ۷۰۰ هزار و تعداد مسیرهای صوتی فیبر نوری در آتلانتیک از ۱۰ هزار به یک میلیون و ۴۵۰ هزار افزایش یافت. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ تعداد میزبان‌های اینترنتی از ۲۰۰ میلیون به بیش از ۱۰ بلیون افزایش یافت. این تحولات همراه با رشد وسایل ارتباط جمعی، الگوی تولید و مصرف را کاملاً دگرگون کرده و بازار جهانی را پدید آورده است. همچنین تحولات فناوری موجب پیدایش صنایع جدید، افزایش بهره‌وری کار و سرمایه، افزایش سطح تولیدات و در نتیجه بسط بازار جهانی شده است. (زمانی، ۱۳۸۴، ۲۶-۲۵)



مفهوم شهروندی

شهروند به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشوری را دارا می‌باشد و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شود که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است. در واقع می‌توان گفت که شهروندی یکی از فرآیندهای جامعه مدرن بوده و به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی می‌شود که به موجب آن امکان برخورداری از حقوق و قدرت را فراهم می‌کند. شهروندی به مثابه فرآیند اجتماعی و سیاسی قرن نوزدهم در جوامع سنتی مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به طور همزمان با مسأله عضویت در دولت - ملت‌ها از مباحث مهم اجتماعی و سیاسی شده است. (Janoski, 1988, p160)

معنای لغوی حقوق شهروندی

حقوق شهروندی که در لغت معادل عربی آن "حقوق المواطن" و معادل انگلیسی آن Citizen Rights و معادل فرانسوی آن Droit du Citoyen می‌باشد. (Jurayj, 2009, p.262) شهروند کسی است که شایستگی مشارکت در جامعه سیاسی را دارد. (فلاحزاده، ۱۳۸۶: ۵۵) شهروند به شخصی گفته می‌شود که شایستگی مشارکت به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم را در قانونگذاری یا قضاوت دارد. شهروند به دلیل عضویت تمام عیار در اجتماع سیاسی یا دولت خود، از حقوق بنیادین برخوردار شده، از بیگانه متمایز قلمداد می‌شود. (Hywood, 2004, p172) به بیان دیگر، می‌توان گفت که شهروند به کسی اطلاق می‌گردد که از موقعیتی برخوردار است که این موقعیت شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر، برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد. (مردانی، سخی اکبری، ۱۳۹۶: ۷۶۲)

مبانی و اصول حقوق شهروندی

شهروندی وضعیتی حقوقی است. (Ashouri 2014, p.221-222) مفهوم و محتوای شهروندی در طول تاریخ، تحول بسیار یافته تا جایی که می‌توان مفهوم شهروندی در معنای باستانی آن را به برخی لحاظ با مفهوم شهروندی در دنیای مدرن در تضاد دانست. در حالی که شهروندی در معنای باستانی آن، عنوانی برای تجزیه‌ی اعضای جامعه به دو گروه ذاتاً نابرابر است. این پدیده در معنای مدرن خود در تلاش برای از میان برداشتن نابرابری هاست و چنانچه به جای حقوق همگانی از حقوق ویژه نیز سخن به میان آورد در تلاش است تا به این وسیله از نابرابری‌ها بکاهد. در حالی که شهروندی در معنای سنتی اش با صفاتی انتسابی نظیر



جنسیت و قومیت پیوند عمیق دارد، در معنای مدرن شهروندی و براساس رویکردهای مسلط در این حوزه، تلاش بر این بوده است تا چنین پیوندهایی با هویت‌های انتسابی گسسته شود. (فغان نژاد، نوری، ۱۳۹۱: ۷۰) اساساً اجماع و توافق نظری در مورد اینکه کلمات شهروندی و شهر دارای مشابهت‌هایی با یکدیگر بوده و با هم یکسان هستند یا خیر، وجود ندارد. هر دوی آن‌ها از کلمه لاتین City به معنای شهر مشتق شده‌اند. در یونان و روم باستان شهروندان افراد مقیم و ساکن یک شهر بودند و یا به عبارت بهتر، شهروند یک دولت - شهر بودند. دولت شهر، جامعه‌ای خودحکمران بود که پیش از توسعه کشورها (ملتها) در بسیاری از کشورها به وجود آمد. (Asgharnia, Beheshti 2016, p 89-110)

حقوق شهروندی و اهمیت آن

حقوق شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق فردی و معرف نابرابری حقوق، سهم به سزایی در احساس عدالت اجتماعی و در نهایت توسعه سیاسی دارد که با ادامه روند خود، ارکان اصلی توسعه پایدار را در نظام و دولت کامل خواهد کرد. توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز بستری برای تأمین حداکثری رفاه شهروندان به شمار می‌آید (Habibzadeh, Faraj Pour 2016, p 115-137). می‌توان گفت حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که یک شهروند به واسطه زندگی در قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه‌ای میان او و دولت حاکم از آن برخوردار می‌شود (Roshan 2014, p144-146).

هر شهروند با توجه به جایگاه اجتماعی خویش در جامعه شهری دارای حقوقی می‌باشد. بر این اساس در یک بررسی عناصر حقوق شهروندی به سه دسته زیر تقسیم می‌گردد:

- حقوق مدنی
- حقوق اجتماعی
- حقوق سیاسی (Shiravand, Hosseini 2016, p 61)

آموزش حقوق شهروندی و برنامه درسی کشورها

هرچند آموزش حقوق شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد و این مؤلفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و توسعه‌ی همه جانبه‌ی جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است، با وجود این باید توجه داشت که نظام آموزش و پرورش در عین اتکاء بر باورها و ارزش‌های جامعه باید در حفظ ارتباطات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و



سیاسی جهانی و تغییر الگوی روابط بین‌المللی از طریق شکل‌دهی چارچوب‌های ذهنی متناسب با دنیای پر کنش و واکنش امروز گام بردارد و آموزش شهروندی به دانش‌آموزان با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فناوری و سیاسی دوران معاصر را در درون محتوای درسی دانش‌آموزان قرار دهد. (کشاورز، ۱۳۹۱: ۷)

حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران

حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های افراد در قبال یکدیگر، شهر و دولت است و شامل حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. به مجموعه‌ی این حقوق و مسئولیت‌ها "حقوق شهروندی" اطلاق می‌شود. (ساعی ارسی، ۱۳۹۱: ۱۲) حقوق شهروندی عبارت است از برخورداری افراد یک جامعه از کلیه‌ی حقوق فردی و اجتماعی. حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های افراد در قبال یکدیگر، شهر و دولت است. به مجموعه‌ی این حقوق و مسئولیت‌ها حقوق شهروندی اطلاق می‌شود. (باقری بنجار و مرجانی، ۱۳۹۶: ۹)

جمهوری اسلامی ایران به جهت وضعیت تاریخی و تعالیم ادیان الهی به ویژه اسلام و زرتشت از بنیان و موسسین حقوق شهروندی محسوب می‌گردد. فرامین پادشاهان و منشور کبیر کوروش و قانون حمورابی در زمره این قوانین هستند. متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند حقوقی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در همه‌ی پرسی ۱۳۵۸ با اختصاص فصلی از آن تحت عنوان حقوق ملت جایگاه ویژه‌ای برای حقوق شهروندان باز نموده است. (اصغری جیره‌نده، ۱۳۹۷: ۷۲)

جایگاه حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران

سابقه‌ی حقوق شهروندی در ق. ا. ج. ا. ایران

در نظام جدید حقوقی ایران مهم‌ترین سندهای حقوق شهروندی در قالب مفاد قانون اساسی و قبل از آن فرمان مشروطیت ذکر شده است. قانون مشروطه و قانون اساسی، هر کدام اتباع ایرانی را از وضعیت تبعه‌ی ساده و رعیت حکومت به شهروند ایرانی تبدیل کردند. قانون مشروطه فقط در قالب لفظ ماند، اما قانون اساسی یک شهروند کامل را با فصل ممیز کرامت انسانی ارائه داد. اصلی‌ترین قسمت که در قانون اساسی به حقوق شهروندی ایرانیان اشاره می‌کند فصل سوم با عنوان "حقوق ملت" است. این فصل از اصل چهل و دوم به تضمین و تأیید حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی شهروندان می‌پردازد. با این وجود سایر اصول قانون اساسی نیز به مناسبت



فصول دیگر به حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی اشاره می‌کنند. اصل چهل و ششم و چهل و هفتم به قانون مالکیت شخصی و یا اصل یکصد و شصت و نهم به اصل قانونی جرایم اشاره دارد. اصل بیستم قانون اساسی که در مطلع پیامش مقرر نموده همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند، به این آرمان والا بسنده نکرده و تکمیل پیام به مفاهیم جدیدی همچون حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی اشاره نموده است. امری که بدون آن قانون اساسی هر ملتی ناقص و ناپایدار است. اصل بیستم به زبانی رسا و روشن مقرر داشته است: افراد ملت از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. در همین راستا می‌توان اصول 34، بند 3 اصل 158، اصل 10 و 11 اصل 23 و 32، اصل 38، اصل 39 و 161 را نیز در راستای حقوق شهروندی دانست. (فغان نژاد و نوری، 1391: 73)

حقوق شهروندی در ایران

قبل از انقلاب مشروطه ایران، حقوق شهروندی مدون و منقحی در ایران وجود نداشت. البته فقدان حقوق مدون به معنای فقدان حقوق شهروندی نبوده است. در ایران از دیرباز اقلیت‌های مختلف مذهبی و قومی روزگار می‌گذراندند و اقلیت‌های مذهبی در احوال شخصیه نیز تابع مقررات و آئین دینی خود بودند. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی مدون گردید. قانون اساسی مشروطه به عنوان میثاقی میان دولت و ملت، قدرت مطلق پادشاه را محدود می‌ساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه در 1325 هجری قمری به تأیید نهایی رسید در فصلی که با عنوان "حقوق ملت" مهم‌ترین حقوق فردی و شهروندی در هجده اصل (اصول 8 تا 26 مورد تأیید قرار گرفت). (احمدی طباطبائی، 1388: 9)

تضمینات رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی در قوانین و مقررات ج.ا.ایران، قانون اساسی جمهوری

اسلامی و حقوق شهروندی

حقوق مدنی و قضایی در ق.ا.ج.ا.ایران

حقوق قضایی از جمله اساسی‌ترین و مهم‌ترین حقوق حقوق شهروندی است که قانون اساسی ایران در مراجعه به محاکم قضایی برای شهروندان قائل شده است و تضمین کننده‌ی آزادی افراد جامعه است.

۱- اصل برائت:

یکی از اصول مسلم و شناخته شده در محاکمات اصل برائت است؛ یعنی باید بنا را بر بی‌گناهی افراد گذاشت تا اینکه با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم کسی در مرجع عادلانه ثابت شود.



اصل ۳۷: اصل برائت است و هی چکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. اصل برائت نه تنها در امر کیفری بلکه در دعاوی حقوقی و مدنی نیز جاری است و طبق قانون هر شخصی بری الذمه محسوب می‌شود مگر اینکه دین او ثابت شود.

۲- عطف به ماسبق نشدن قانون:

اصل برائت و قاعده " قبح عقاب بلا بیان " اقتضا می‌کند که در امور کیفری، حتی خود قانون‌گذار هم نتواند قانونی را که وضع می‌کند به عقب برگرداند و بر اعمال قبل از تصویب قانون سرایت دهد. طبق اصل ۱۶۹ و ماده‌ی ۱۱ ق. م. ا. نیز هیچ فعلی یا ترک فعلی را به استناد قانونی که بعداً تصویب شده نمی‌توان جرم دانست.

۳- ممنوعیت بازداشت خودسرانه:

تعقیب افراد و بازداشت آن‌ها باید بر مبنای قانون و مجوز قانونی باشد. اصل ۳۲ ق. ا. مقرر می‌دارد: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. (فغان نژاد و نوری، ۱۳۹۱:

(۷۳)

۴- حق داشتن وکیل:

در اسناد و مقررات متعدد بین‌المللی بر حق استفاده متهم از معاضدت وکیل دادگستری در طول دادرسی تأکید و تصریح دارد که هر شخص بازداشت‌شده حق دارد از یک وکیل قانونی برخوردار گردد. اصل یک از مجموعه اصول اساسی در نقش وکلا مقرر می‌دارد: همه انسان‌ها حق دارند به انتخاب خود وکیلی برگزینند تا از حقوق آن‌ها حمایت و در تمام مراحل دادرسی کیفری از آن‌ها دفاع کند. این حق تا آنجا اهمیت دارد که در اسناد معتبری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و... به دفعات پیش‌بینی کرده است.

کمیته حقوق بشر مقرر می‌دارد که همه اشخاصی که دستگیر می‌شوند باید دسترسی فوری به وکیل داشته باشند. کمیته حقوق بشر، کمیسیون بین‌آمریکایی و دادگاه اروپا همگی به صراحت بیان می‌دارند که حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه مستلزم دسترسی به یک وکیل در طول بازداشت، بازپرسی و تحقیقات مقدماتی است.

همچنین حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی برای اولین بار در قانون ۸ دسامبر ۱۸۹۳ در

کانتون نوشاتل سوئیس مقرر گردید. (Mahdavi pour 2016: 157-176)



در فرانسه نیز اولین بار قانون ۸ دسامبر ۱۸۹۷ به متهم اجازه داد که از لحظه اولین احضار بازپرسی بتواند وکیل داشته باشد و به موجب ماده ۳ این قانون بازپرس باید قبل از بازپرسی متهم را از داشتن این حق مطلع کند. (Montazere Azadi, 1359, p.44)

در حقوق داخلی ایران نیز اصل ۳۵ قانون اساسی، حق داشتن وکیل را در تمامی دادگاه‌ها لازم دانسته است. قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز متضمن حق تعیین وکیل و تکلیف مراجع برای پذیرش آن می‌باشد.
۵- حق بر آزادی:

این مسأله در نظام‌های حقوقی توسعه یافته کاملاً پذیرفته شده است که اصل بر آزادی شهروندان است و نباید اقدامات دولتی به این آزادی کمترین خدشه‌ای وارد آورد، مگر قانونی که به نحو دموکراتیک به تصویب رسیده، به طور صریح چنین مجوزی داده باشد. در این مفهوم از حق بر آزادی، شهروند باید از استقلال و اختیار لازم جهت استیفای حقوق خود برخوردار بوده و اقدامات دولتی مانعی در این مورد ایجاد نکند. حق بر آزادی شهروند، به معنای استقلال وی در به کارگیری توانایی‌ها و استعدادهای خود در جامعه است که حدود این فضای عملکرد را قانون ترسیم می‌نماید و لذا دولت نباید به موجب اقدامات خود، این محدوده را حصر نموده یا آزادی عمل شهروند را امحا کند. (جمشیدی و پتفت، ۱۳۹۵: ۳۸)
۶- اصل برخورداری از حقوق مساوی:

در اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. این اصل نافی هرگونه امتیازات طبقاتی، قومی و نژادی است. در اصل بیستم آمده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. (احمدی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۱)
۷- اصل امنیت فردی:

در اصل سی و دوم قانون اساسی ج.ا.ا. آمده است: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. اصل امنیت فردی به عنوان یکی از ارکان مهم حقوق شهروندی با مجموعه‌ای از مقررات دیگر جهت تضمین این اصل تکمیل شده است. به عنوان مثال اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل عدم عطف به ما سبق شدن قانون، اصل علنی بودن محاکمات و حضور وکیل در مراحل بازپرسی و



دادرسی و رسیدگی به جرائم بزرگ و مهم توسط هیأت منصفه که همگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی شده است. (احمدی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۲)

راهکارهای ارتقای حقوق شهروندی

شهروندی موجد سه نوع حق است. مدنی، سیاسی و اجتماعی. حوزه مدنی حقوق شهروندی عبارتند از: حفظ آزادی‌های فردی، شامل: آزادی بیان، اندیشه، عقیده، حق مالکیت شخصی و حق برخورداری از عدالت. حق سیاسی نیز شامل حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی است که فرد به عنوان یکی از اعضای جامعه از آن برخوردار است. حقوق اجتماعی در قرن ۲۰ در شکل مدرن خود با ایجاد نهادهای دولت رفاه شامل نظام آموزش ملی، آموزش همگانی، خدمات بهداشتی و اجتماعی توسعه یافته است. (دیلیم صالحی، ۱۳۹۳: ۹۳)

تأثیر جهانی شدن بر حقوق شهروندی در ایران

مواجهه ملیت‌ها به عنوان واحدهای سیاسی با پیامدهای جهانی شدن که بواسطه تکنولوژی‌های نوین ارتباطی گسترش یافته است را می‌توان به عنوان گسترده‌ترین مسئله پیش‌روی حقوق شهروندی در شرایط کنونی مورد بحث قرار داد. این مسئله که به صورت مشخص‌تر می‌توان از آن تحت عنوان جهانی شدن یا جهانی سازی از آن یاد کرد، موجب بازنگری در مفهوم شهروندی و توجه به اقتضائات و پیامدهای جدید برای آن شده است. جهانی شدن از مباحث مهم و جنجال‌برانگیز دنیای معاصر است که با وجود دیدگاه‌های گوناگون و برداشت‌های مختلف اندیشمندان از آن، اصل وجود و تأثیر این پدیده بر زندگی بشر انکارناپذیر است. تأثیر جهانی شدن بر حقوق شهروندی به عنوان یکی از وجوه مهمی است که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است.

تأثیر جهانی شدن بر حقوق کار ایران

علی‌رغم دو قرن تأخیر نسبت به اروپا در تاریخ تحول حقوق کار ایران پیدایش تشکلهای کارگری و کارفرمایی، انجمن‌های صنفی و شوراهای اسلامی کار (اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی و ماده ۱۷۸ قانون کار، مداخله دولت از طریق قانونگذاری حمایتی کار، و باز شدن جایگاه مناسبی برای مذاکرات و پیمان‌های جمعی کار در قوانین کشور بخصوص قانون اساسی، قوانین عادی، آئین‌نامه‌ها و رویه قضایی و بالاخره تأسیس



مراجع تخصصی قضایی و غیر قضایی حل و فصل اختلافات جامعه کارگری (مواد ۱۵۷ تا ۱۶۶ قانون کار)، همگی ملهم از تجربیات کشورهای صنعتی پس از انقلاب‌های صنعتی و اجتماعی قرون گذشته اروپا، آرمان‌های آزادی‌خواهانه دو انقلاب بزرگ مشروطیت و اسلامی و در کل روند جهانی شدن حقوق کار بوده است.

تأثیر جهانی شدن بر استانداردهای کار

موضوع استانداردهای کار بین‌المللی یکی از منازعات بحث برانگیز در مباحث حقوقی جهان معاصر می‌باشد. در هسته این مباحث موضوعاتی از قبیل کودکان کارگر، آزادی انجمن‌ها و حق پیمان‌های جمعی کار همچنین استانداردهای پرداخت از قبیل حداقل دستمزد، ساعات کار و بهداشت و ایمنی شرایط کار که بطور مستقیم بر ارزش کار موثر است مطرح می‌باشد. حقوق و استانداردهای کار که بعنوان استانداردهای اساسی بین‌المللی بر اساس قانون کار تلقی می‌شوند عبارتند از:

- ۱- آزادی اجتماعات ۲- حق تشکیل و مذاکرات جمعی ۳- ممنوعیت کار اجباری ۴- حداقل سن شروع به کار کودکان ۵- تضمین شرایط کار قابل قبول شامل تضمین حداکثر ساعات کار و تعطیلات و زمان استراحت، سلامت و بهداشت مناسب محیط کار، رفع تبعیض در اشتغال و سایر مزایای استخدامی (رنجبریان، فرهمند صابر، ۱۳۹۱: ۸۵)

تأثیر جهانی شدن بر اشتغال

جهانی شدن بر امنیت شغلی کارگران و وضع کارگاه‌های تولیدی تأثیری اجتناب ناپذیر داشته است. بدین ترتیب که با جهانی شدن بر پایه آزادی واردات و صادرات بازارهای ملی رفته رفته به بازارهای فراملی تبدیل می‌شود و با توجه به مزیت‌های نسبی تولید و گردش سریع سرمایه، پراکندگی مراکز تولید در نقاط گوناگون جهان، کارگاه‌های تولیدی بر پایه محل تولید سود آوری و دارای هزینه کمتر برگزیده خواهند شد. جهانی شدن اقتصاد با دگرگون کردن روابط سنتی کار، امنیت شغلی کارگران را با چالش‌های تازه رو به رو خواهد کرد. اگر توسعه و رقابت جهانی بر پایه هزینه کار باشد در این صورت منافع کارگران فدای کاهش هزینه تولید خواهد شد و از این رو کارگر از پایین‌ترین معیارها در زمینه کار محروم می‌شود. (توسلی نائینی،

۱۳۸۴: ۱۶۰)



نتیجه گیری

در مقاله حاضر سعی شده است تا تأثیر جهانی شدن، بر حقوق شهروندی نشان داده شود. باتوجه به اینکه همه کشورها تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار گرفته اند، اما میزان و شکل تأثیرپذیری از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. به عبارتی دیگر در هر کشور، بعضی عوامل و متغیرها وجود دارد که آثار جهانی شدن به واسطه آنها منتقل می‌شود. عوامل تعیین کننده میزان و نوع تأثیرپذیری کشورها از فرایند جهانی شدن هر چند متعدد و متنوع است، می‌توان آن‌ها را به چند دسته کلی تقسیم کرد. بنابراین میزان و شکل تأثیرپذیری کشورها از فرایند جهانی شدن، تابعی از برخی ویژگی‌های ساختاری و نهادی همان کشور است. با توجه به آنچه گفته شد پدیده جهانی شدن دارای ابعاد مختلف، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که هر یک از این ابعاد تأثیرات متنوعی بر حیات بشر امروز بر جای گذاشته است. این پدیده در عرصه حقوقی بر تقویت حقوق شهروندی مؤثر بوده است و در ایران نیز طی سال‌های اخیر، شاخص‌های مختلف جهانی شدن همچون توسعه ارتباطات، گسترش رسانه‌های جمعی، حضور فعالانه‌تر در بازار اقتصاد جهانی، عضویت در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و تقویت روابط خارجی با دیگر کشورها گسترش یافته است. اگرچه نمی‌توان جهانی شدن را تنها عامل و علت کارآمدی حقوق شهروندی در ایران دانست و احتمالاً عوامل دیگری نیز در این رشد مؤثر بوده است، شواهد مورد اشاره نشان می‌دهد رشد شاخص‌های جهانی شدن هم در افزایش ایجاد حقوق شهروندی در کنار دیگر عوامل مؤثر بوده است. مسائل ملی و بین‌المللی ایران در سال‌های اخیر و فراز و فرودهای آن همگی نشان‌دهنده تأثیرپذیری ایران از جهانی شدن در سطح بین‌المللی است.



منابع فارسی:

- احمدی طباطبائی، سیدمحمدرضا، (۱۳۸۸) حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه خط اول، سال سوم، شماره ۸.
- اخوان زنجانی، داریوش، (۱۳۸۱) جهانی شدن و سیاست خارجی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- اشرفی، داریوش، اسلامی، رضا، (۱۳۹۶) نقش سازمان‌های بین‌المللی در جهانی شدن اقتصاد و تاثیر آن بر حاکمیت ملی، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و پنجم.
- اصغری جیره‌نده، ابوطالب، میرزائزاد جیره‌نده، فاطمه، (۱۳۹۷) حقوق شهروندی و سازوکارهای تضمین آن در نظم حقوقی کنونی، رشت، انتشارات ارنواز، چاپ پنجم.
- باقری بنجار، عبدالرضا، مرجانی، سجاد، (۱۳۹۶) تحلیل رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با توسعه اجتماعی، دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۵.
- بایبوردی، اسماعیل، علیرضا کریمیان، (۱۳۹۳) جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر هویت ملی ایران، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۶.
- توسلی نائینی، منوچهر، (۱۳۸۴) جهانی شدن و امنیت شغلی کارگران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۹.
- جمشیدی، علیرضا، پتفت، آرین، (۱۳۹۵) حقوق شهروندی در پرتو آئین‌های نوین اداری، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ششم، شماره ۲۱.
- دادگر، یداله، علی اکبر ناجی میدانی، (۱۳۸۲) شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد و موقعیت ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۹.
- دیلم صالحی، بهروز، (۱۳۹۳) تحول مفهوم شهروندی در فرایند جهانی شدن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره ۲۹.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰) جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، تهران، انتشارات ثالث، چاپ اول.
- رنای شورت، جان، هیون کیم، یونگ، (۱۳۸۴) جهانی شدن و شهر، ترجمه احمد پوراحمد و شایان رستمی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ اول.



- رنجریان، امیر حسین، فرهمند صابر، بهرام، (۱۳۹۱) تاثیر جهانی شدن بر روابط کار و تامین اجتماعی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، سال اول.
- زارعی، غفار، هاشم پور، پیروز، (۱۳۹۷) ابعاد هویت ایرانی در فرآیند جهانی شدن، فصلنامه علمی تخصصی سپهر سیاست، سال پنجم، شماره ۱۵.
- زمانی، هادی (۱۳۸۴) ایران، فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن، انتشارات بال.
- زیرک، معصومه، (۱۳۸۷) تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه گرایی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی مسایل و سیاست‌های اقتصادی-شماره‌های ۸۳ و ۸۴.
- ساعی ارسی، ایرج، 1391، آموزش مطالعات اجتماعی، چاپ چهارم، ویرایش اول، تهران، انتشارات بهمن برنا.
- فغان نژاد، سعدالله، نوری، مهدی، (۱۳۹۱) بررسی حقوق شهروندی در وضعیت بحران مطالعه ی تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و آمریکا، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت بحران، شماره اول.
- فلاحزاده، علی محمد، (۱۳۸۶) نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر، فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۵۸.
- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۵) جهانی شدن، فرهنگ و سیاست، انتشارات مرکز، تهران، جلد اول.
- کشاورز، یوسف، (۱۳۹۱) فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۶.
- کیت، نش، (۱۳۸۰) جامعه شناسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران، چاپ اول.
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، انتشارات نی، تهران، جلد اول.
- لطفی، حیدر، محمدزاده، آزاده، (۱۳۸۹) فرآیند جهانی شدن و بررسی این پدیده در کشورهای جهان اسلام، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- مردانی، نادر، سخی اکبری، غلام، (۱۳۹۶) مطالعه تطبیقی تکالیف شهروندی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۲
- نوابخش، مهرداد، و نیکوکار، مستانه سادات، (۱۳۹۷) جهانی شدن و بحران هویت جوانان، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۲، شماره ۳.
- منابع لاتین:



- Asgharnia M, Beheshti MS. (2016) The transition from national citizenship to global citizenship; the relation between Citizenship rights and bioethics. *Bioeth J Q*; 6(21): 89-110.
- Ashouri D. (2014) *Political Encyclopaedia*. 23th ed. Tehran: Morvarid Publication; p.221-222
- Habibzadeh T, Faraj Pour A.(۲۰۱۶) Human Dignity and Human Rights and Citizenship Rights in the Constitution. *Public Law Journal*; 46(1): 115-137.
- Hywood, Andrew, (2004). *Key Concept in Politics*; Palyrav Publication.p172
- Janoski, T. (1988). *Citizenship and Civil Society: A Framework of Rights and Obligations in Liberal Traditional and Social Democratic Regime*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jurayj M. (2009)*Glossary of Legal Terminology Arabic-French-English*. 1th ed. Tehran: Khorsandi Publications; p.262
- Mahdavi pour A(,2016) Naghibi SMR. The defendant's right to counsel in criminal justice authorities; manifestation of civil rights. *Bioeth J Q*; 6(21): 157-176
- Montazere Azadi F.(۱۹۸۰) Amendment rights, individual freedoms in the preliminary investigation. *Criminal Law and Criminology Master's thesis* , Faculty of Tehran University political rights; p.44
- Roshan M.(2014) *Citizenship Rights, Background and Place in Police Relations*. *Islamic Vision Journal*; 30(11): 144-146.
- Scholte,Jan Aart (2000); *Globalization : A Critical Introduction*, U.S.A , ST.Martin's press inc.p16
- Shiravand M, Hosseini SS. (2016) Review of the Ethics of Citizenship and its Relation to Sustainable Tourism. *Iran J Bioethics*; 6(21):p 61